

# حقوق بزه دیده از منظر دادرسی عادلانه و اخلاق در آیین دادرسی کیفری و اساسنامه دیوان کیفری بین المللی

قاسم کرباس فروش<sup>۱</sup>، دکتر اکبر وروایی\*<sup>۲</sup>، دکتر توران توسلی زاده<sup>۳</sup>  
۱. گروه حقوق، واحد و علوم تحقیقات کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران  
۲. گروه حقوق، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران  
(تاریخ دریافت: ۹۸/۵/۲۲، تاریخ پذیرش: ۹۸/۷/۶)

## چکیده

زمینه: با مطرح شدن اندیشه حمایت از بزه‌دیدگان و پیدایش بزه دیده شناسی حمایتی در سده بیستم، جایگاه فراموش شده بزه دیده در فرآیند کیفری احیا شد و یافته‌های آن در قالب ملاک‌های جهانی در زمینه حمایت از بزه دیده تجلی یافت. حمایت از بزه دیده امری ضروری و غیرقابل انکار در رسیدگی‌های کیفری می‌باشد. این حمایت مظاهر مختلفی دارد که دولت‌ها برای تأمین حداقل آن تلاش می‌کنند. قانونگذار ایران نیز در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، با تعریف واژه‌ی «بزه دیده» و پرداختن به حقوقی مانند حق شناسایی و تکریم بزه دیده حق آگاه‌سازی بزه دیده، حق دسترسی فوری و آسان به نظام عدالت کیفری، تأمین امنیت بزه دیده، حق محرمانگی تحقیقات، جبران خسارت بزه‌دیدگان، حق برخورداری از وکیل و معاضدت حقوقی و اعطای نمایندگی خاص به بزه‌دیدگان، هم‌ترازی حقوق بزه دیده با متهم تساوی سلاح‌ها، حق برخورداری از حمایت‌های پزشکی و روانی، حقوق بزه دیده در مرحله‌ی تجدیدنظر، با در نظر گرفتن اصول اخلاقی مسیر خویش را بیشتر به سمت سیستم حقوق اخلاقی چرخانده است. و از آنجا که این اخلاق مدارای در سیستم کیفری ایران دارای سابقه زیادی در این حد نبود است جای تامل و پژوهش زیادی دارد.

نتیجه‌گیری: بررسی‌های تطبیقی در این نوشتار نشان می‌دهد که حقوق مذکور منطبق با حقوق بزه دیده در اساسنامه و آیین دادرسی دیوان کیفری بین المللی است؛ لذا قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ علیرغم ایراداتی که به لحاظ نظری دارد و اشکالاتی که ممکن است در عمل به بار بیآورد، سعی نموده است که نسبت به مقررات سابق دادرسی کشور ایران، نگاه یکسانی و اخلاقی را به حقوق متهم و بزه دیده داشته باشد. به این منظور تضمین‌هایی را مقرر نموده است که تحقق این مهم را در عالم واقع میسر نماید. از یک سو با مقرر نمودن تضمین‌های عام و کلی، در صدد حمایت از طرفین شکایت کیفری بر آمده و از سوی دیگر تضمین‌های متناسب با وضعیت هریک از طرفین، به آنها اختصاص داده است.

کلید واژگان: حقوق بزه دیده، اخلاق، آیین دادرسی کیفری، دیوان کیفری بین المللی

## سرآغاز

بحث در خصوص ارتباط بین حقوق و اخلاق از جمله مباحثی است که از دیرباز مورد توجه متفکران و اندیشمندان به خصوص فلاسفه حقوق بوده است و همواره تلاش شده است که در حقوق کیفری نیز اخلاقیات<sup>۳</sup> ورود پیدا کند.

از نگاه برخی صاحب‌نظران نظیر کانت، از آنجا که جرم را تعدی از قانون می‌دانند؛ نه تجاوز به حقوق دیگران، لذا بزه دیده‌گان جایگاهی اخلاقی در عدالت کیفری ندارند (۲). در اساسنامه دادگاه نورمبرگ، کلمه «بزه دیده» دیده نمی‌شود و به دنبال آن برای حمایت از بزه‌دیدگان، تدابیری دیده نشده است (۳).

یکی از مهم‌ترین ابزارهای دست‌یابی به عدالت<sup>۱</sup> در دادرسی کیفری، که بر مبنای دادرسی منصفانه<sup>۲</sup> استوار گشته است، حمایت متعادل و متوازن از اصحاب اصلی دادرسی کیفری می‌باشد. یکی از اصحاب اصلی دادرسی کیفری، «بزه دیده» است. تا اواسط سده قرن بیستم، بزه‌دیدگان نقش مهم و شایان توجهی نداشتند و به حق می‌توان آن‌ها را «اشخاص فراموش شده» نامید. این بی‌توجهی یا کم‌توجهی به حدی بوده است که حتی در برخی نظام‌های داخلی و ملی، به بزه دیده به عنوان یکی از گناه کاران رویداد جنایی نگریسته شده است تا یک کنشگر رخداد جنایی (۱).

شروع دعاوی کیفری، نباید ساختگی و تشریفاتی، بلکه واقعی و فعال باشد. نباید منزلت وی در حد یک گواه یا مطلع صرف پایین یابد. علاوه بر این، بزه دیده نباید در وصف تماشاگران بنشیند و نمایشی غم انگیز را تماشا کند که بازیگران آن دادستان، متهم، وکیل، قاضی و ... هستند. در نهایت این که توافقی بودن دادرسی در مراجع قضایی و دادسرا باید اجازه دهد تا بزه دیدگان مکونات قلبی خود پس از بزه دیدگی و آثار جانبی آن را بیان نماید (۸). ق.آ.د.ک مصوب ۱۳۹۲ و اساسنامه دیوان کیفری بین المللی در این زمینه با در نظر گرفتن اصول اخلاقی تضمینات زیر را پیش بینی کرده اند:

در ق.آ.د.ک مصوب ۱۳۹۲: در ماده ۶۴ ق.آ.د.ک. مصوب ۱۳۹۲، جهات قانونی شروع به تعقیب را شکایت یا مدعی خصوصی، اعلام و اخبار ضابطان دادگستری یا مقامات رسمی یا اشخاص موثق، وقوع جرم مشهود در برابر دادستان یا بازپرس، اظهار و اقرار متهم و یا اطلاع دادستان از هر طریق قانونی منع کرده است. با توجه به اشاره به شکایت بزه دیده در اولین بند این ماده بدیهی است که در حقوق کیفری ایران، شایع ترین و اصلی ترین جهت آغاز پیگرد، شکایت بزه دیده است. رفتار محترمانه با بزه دیده یکی از حقوق انسانی - اخلاقی او محسوب میشود. در مواقعی که بزه دیده دچار بزه دیدگی شدید شده است و قابلیت بزه دیدگی و آسیب پذیری بالایی دارد نیازی به تکریم و احترام بیشتری نیز دارد. در این زمینه ماده ۴ ق.آ.د.م مصوب ۱۳۹۲ مقرر کرده است که: «اصل، برائت است. هرگونه اقدام محدودکننده، سلب آزادی و ورود به حریم خصوصی اشخاص جز به حکم قانون و با رعایت مقررات و تحت نظارت مقام قضائی مجاز نیست و در هر صورت این اقدامات نباید به گونه ای اعمال شود که به کرامت و حیثیت اشخاص<sup>۹</sup> آسیب وارد کند.

در اساسنامه دیوان کیفری بین المللی: ماده ۱۳ دیوان کیفری بین المللی سه طریق را برای شروع به تعقیب در نظر گرفته است، نخست این که یک دولت وضعیتی را در آن یک یا چند جرم در صلاحیت دیوان در آن رخ داده به دادستان ارجاع نماید؛ دوم، شورای امنیت چنین وضعیتی را حتی در صورتی که در قلمرو کشورهای غیرعضو رخ دهد به دادستان ارجاع دهد و سوم این که به موجب ماده ۱۵ اساسنامه دادستان شروع به تعقیب و تحقیق نماید (۹). بر این اساس، بزه دیده در دیوان نه به نحو مستقل و نه به صورت مستقیم، نقشی در آغاز یک فرآیند کیفری ندارد و برخلاف نظام کیفری ایران، صرف شکایت بزه دیده، دادستان دیوان را مکلف به آغاز تعقیب و تحقیق نمی نماید. دیوان در جریان بررسی صلاحیت و قابلیت پذیرش به بزه دیدگان اجازه داده است که نظرات خود را تسلیم نمایند ماده ۱۹ اساسنامه دیوان علاوه بر این، دیوان خود را پایبند می داند به اینکه کارکنان خود به منظور حفظ تمامیت و شأن بزه دیدگان آموزش دهد، به ویژه در مقوله هایی مربوط به جنسیت و حساسیت های فرهنگی آنان (۱۰).

حق آگاه سازی بزه دیده با توجه به اخلاقیات

اطلاع رسانی به قربانیان جرم درباره نقش و مشارکت آنان در فرآیند رسیدگی، مدت و روند رسیدگی ها و وضعیت پیشرفت پرونده، چگونگی جبران و شیوه های آن از اهمیت ویژه ای برخوردار است. مطلع نمودن

در اساسنامه دادگاه های بین المللی اختصاصی نسل سوم (یوگسلاوی سابق و رواندا) جایگاه بزه دیدگان، حداقلی بوده و حقوق آنان محدود است به محافظت فیزیکی و استرداد آن گونه از اموال که در نتیجه ارتکاب جرم از تصرف ایشان خارج شده است (۴). در واقع، در رویه دادرسی های بین المللی<sup>۴</sup> قبل از تشکیل دیوان، بزه دیده؛ تنها به عنوان شاهد، دارای قابلیت مداخله و ایفای نقش در دادرسی بود. در دیوان کیفری بین المللی بزه دیدگان، ضمن مراحل رسیدگی حق دارند که نظرات و دغدغه هایشان را به قضات<sup>۵</sup> اعلام کنند. از این حق به «مشارکت» تعبیر شده است که به واسطه نمایندگان حقوقی بزه دیدگان، اعمال می شود. اساسنامه رم، به عنوان سند تأسیس دیوان، نسبت به دادگاه های بین المللی قبلی، از طریق شناسایی، مشارکت، محافظت و اقدامات حمایتی، به بزه دیده نقش بسیار بیشتری در آیین رسیدگی به جرایم داده است (۵).

در حقوق ایران، حمایت از بزه دیده و متهم به طور مستقل از مبانی قوی فقهی و حقوقی و اخلاقی بهره مند است؛ اما موضوع ایجاد توازن و تعادل در حقوق بزه دیده و متهم تاکنون مورد غفلت قانون گذار ایرانی بوده است. به همین دلیل متفکران حقوق کیفری در ایران به فکر راه حل های دیگری در جهت تحقق عدالت و دادرسی عادلانه افتادند که نتیجه این تفکرات رویکرد نوینی به نام رویکرد توازن بخشی است. براساس این رویکرد، متهم و بزه دیده در فرایند دادرسی باید دارای توازن نسبی با یکدیگر باشند که در این فرایند توازن بخشی باید هم به حقوق بزه دیده توجه شود و هم به حقوق متهم (۶). قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ همگام با سایر تحولات<sup>۶</sup> کشورهای دیگر، سعی نموده است حمایت از حقوق بزه دیدگان و مشارکت فعال آنان در فرآیند کیفری را ارتقا بخشد. بر این اساس، تدوین کنندگان قانون آیین دادرسی کیفری در سال ۱۳۹۲ سعی نموده اند با استفاده از دستاوردهای حقوق تطبیقی بخصوص حقوق فرانسه و دیوان کیفری بین المللی، مسئله حمایت متعادل و متوازن را با رعایت حمایت<sup>۷</sup> حداقلی از بزه دیده مورد توجه قرار دهند.

### حقوق بزه دیدگان در ق.آ.د.ک مصوب ۱۳۹۲ و اساسنامه دیوان کیفری بین المللی

در این بخش به بررسی تطبیقی حقوق بزه دیدگان در ق.آ.د.ک مصوب ۱۳۹۲ و اساسنامه دیوان کیفری بین المللی پرداخته می شود.

#### حق شناسایی و تکریم بزه دیده

تقدم حقوق مدعی خصوصی یا خسارت دیده از جرم بر حقوق عمومی، حق شنیده شدن؛ به این معنا که بزه دیده باید صاحب این امکان باشد که صدای خود را به گوش دیگران برساند و به طور کلی راهبردهای توانمندسازی بزه دیده که همگی از نظر روان شناختی باعث بهبود نسبی بزه دیده می گردد، لازمه تحقق عدالت کیفری کارآمد است. رسیدگی به شکایت بزه دیده که جرم و آثار آن (بزه دیدگی اولیه و اصلی) را تجربه کرده است نیز نباید زمینه رفتارهای تحقیرآمیز<sup>۸</sup> نسبت به او را ایجاد کند (۷). در همین راستا مشارکت و حضور بزه دیده، در

بزه دیده، ممکن است با حقوق انسانی - اخلاقی بزه دیدگان مربوط باشد. به عنوان مثال در زمینه حق بهره مندی از رفتار کرامت اخلاق مدار<sup>۱۰</sup>، حق رعایت اسرار بزه دیدگان و حفظ اخلاقی آن درباره مسائل و مشکلات آنان و حق داشتن احساس امنیت، باید به موقع این دسته را آگاه ساخت. همچنین بزه دیدگان حق دارند که در سریع ترین زمان از خدمات و شیوه های موجود جبران آثار بزه دیدگی<sup>۱۱</sup> در طول فرآیند کیفری آگاه شوند (۱۱).

در ق.آ.د.ک مصوب ۱۳۹۲: بزه دیده حق دارد به صورت کامل شفاف و واضح در مورد روند رسیدگی، شانس موفقیت، فراز و نشیب کارشناسی ها، شکل و استراتژی بزه کار، مکانها، زمانها و ساعات مختلف دادرسی، مدت متوسط فرآیند دادرسی، وخواهی اطلاع یابد. قانون ق.آ.د.ک. ۱۳۹۲ در راستای آگاه سازی بزه دیدگان از حقوق های خود گام های مثبتی را برداشته است. نخست ماده ۶ این قانون به عنوان اصل راهبر مطلع نمودن بزه دیده از حقوق خود در سراسر فرآیند کیفری و پیش بینی سازوکارهای لازم در این خصوص را پیش بینی نموده است. هم چنین در مرحله کشف جرم، ضابطان دادگستری وظایف و تکالیف مهمی در خصوص آگاه سازی بزه دیدگان از حقوق خود بر عهده دارند. دوم، به موجب ماده ۲۸ این قانون ضابطان دادگستری مکلف شده اند شاکی را از حق درخواست جبران خسارت و بهره مندی از خدمات مشاوره ای موجود و سایر معاضدت های حقوقی آگاه سازند. ماده ۶ این قانون مقرر می دارد: «متهم، بزه دیده، شاهد و سایر افراد ذیربط باید از حقوق خود در پروسه دادرسی مطلع شوند و سازوکارهای رعایت و تضمین این حقوق فراهم شود». مطابق با ماده ۹۹ این قانون: «هرگاه بازپرس ضمن تحقیق، جرم دیگری را کشف تبصره - چنانچه جرم کشف شده از جرائمی باشد که با شکایت شاکی قابل تعقیب است، مراتب در صورت امکان، توسط دادستان به نحو مقتضی به اطلاع بزه دیده می رسد». این ماده حمایتی حداکثری از بزه دیده ایجاد نموده است، تا حدی که شاید خود وی از وقوع جرمی علیه منافع مادی و معنویاش بیخبر باشد (۱۲) اما مقنن وی را محق دانسته است تا از جرائمی که علیه او رخ داده مطلع باشد تا بتواند از این طریق احقاق حق نماید. ماده ۵۶۳ هم چنین پیش بینی کرده است (۱۳).

در اساسنامه دیوان کیفری بین المللی: توجه به بزه دیدگان و مشارکت آن ها در فرآیند رسیدگی<sup>۱۲</sup>، از موضوعات مورد بحث در جریان مذاکرات «کنفرانس رم» بوده است. در این کنفرانس، تدوین کنندگان اساسنامه، به طور خاص تحت تأثیر اعلامیه ۱۹۸۵ سازمان ملل متحد در خصوص بزه دیدگان بر ارائه و اظهار نظر دیدگاه ها و نگرانی های خود تأکید داشت (۱۴).

حق دسترسی فوری و آسان به نظام اخلاقی و قانونی عدالت کیفری

در ق.آ.د.ک مصوب ۱۳۹۲: به موجب مواد ۱۲ و ۶۴ ق.آ.د.ک مصوب ۱۳۹۲ از جهت حیثیت خصوصی، درخواست تعقیب متهم با بزه دیده است و شکایت بزه دیده اولین جهت از جهت قانونی شروع به تعقیب است. ماده ۱۷۵ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ استفاده کردن از سیستم های کامپیوتری و مخابراتی، از قبیل پیامنگار (ایمیل)،

ارتباط تصویری از راه دور، نامبر و تلفن، برای طرح شکایت یا دعوا بلامانع است. دیوان صلاحیت شخصی<sup>۱۳</sup> منفی یا صلاحیت بر مبنای تابعیت بزه دیده را نپذیرفته است؛ حال آنکه تشکیل پرونده های کیفری بر اساس تابعیت بزه دیده در بسیاری از کشورها سابقه دیرینه دارد. و از نظر اخلاقی جز بدیهیات است (۱۵) قانون گذار ایران در ماده ۸ ق.م.ا. مصوب ۱۳۹۲ و در بخش آیین دادرسی جرایم رایانه ای قانون آیین دادرسی کیفری، در صدر ماده ۶۶۰ و نیز در بند «ت» همین ماده، با پذیرش این نوع صلاحیت، خلأ تقنینی در این باره را مرتفع ساخته است. در اساسنامه دیوان کیفری بین المللی: یکی از جهات عمده ی اهمیت موقعیت و نقش بزه دیده این است که در بسیاری از پرونده ها، این اطلاعات بزه دیدگان بوده که منجر به شروع تحقیقات از سوی دادستان شده است (۱۰). دیوان متعهد به ارائه ی مساعدت های مناسب اداری و فنی قابل دسترس به بزه دیدگان است (آیین دادرسی و ادله. ماده ۱۸ و در تعیین محدوده های زمانی فرآیند رسیدگی به «ضرورت تسهیل عدالت<sup>۱۴</sup> و تسریع رسیدگی» و به طور خاص مدنظر قرار دادن «حقوق وکیل مدافع و بزه دیدگان» توجه دارد (آیین دادرسی و ادله. ماده ۱۰۱ (۱). بر اساس حقوق بین الملل عرفی، لطمه به حق دسترسی و مشارکت بزه دیده در رسیدگی های کیفری بین المللی، از زمره ی جهات نقض شدید حقوق بشر محسوب می گردد (۱۶).

### جبران خسارت بزه دیدگان بعنوان ضمانت اجرای اخلاقی

در ق.آ.د.ک مصوب ۱۳۹۲: جبران خسارت بزه دیده به اعمال مجازات و جبران ضرر و زیان ناشی از جرم خلاصه نمیشود، بلکه فراتر از این به ابعاد روانشناختی، روانپزشکی و لزوم بر عهده گرفتن بار تحمل آسیب های متعدد جرم و جبران آن گسترش یافته است.

ماده ۸۱ ق.آ.د.ک. مصوب ۱۳۹۲ در این زمینه چنین مقرر کرده است که «در جرائم تعزیری درجه شش، هفت و هشت که مجازات آنها قابل تعلیق است، چنانچه شاکی وجود نداشته، گذشت کرده یا خسارت وارده جبران گردیده باشد و یا با موافقت بزه دیده، ترتیب پرداخت آن در مدت مشخصی داده شود و متهم نیز فاقد سابقه محکومیت مؤثر کیفری باشد، دادستان می تواند پس از اخذ موافقت متهم و در صورت ضرورت با اخذ تأمین متناسب، تعقیب وی را از شش ماه تا دو سال معلق کند. در اینصورت، دادستان متهم را حسب مورد، مکلف به اجرای برخی از دستورهای زیر می کند: الف - ارائه خدمات به بزه دیده در جهت رفع یا کاهش آثار زیانبار مادی یا معنوی ناشی از جرم با رضایت بزه دیده. ماده ۸۲ همین قانون اشعار می دارد: «در جرائم تعزیری درجه شش، هفت و هشت که مجازات آنها قابل تعلیق است، مقام قضائی میتواند به درخواست متهم و موافقت بزه دیده یا مدعی خصوصی و با اخذ تأمین متناسب، حداکثر دو ماه مهلت به متهم بدهد تا برای تحصیل گذشت شاکی یا جبران خسارت ناشی از جرم اقدام کند». در این ماده از تلاش مقنن برای جبران خسارات مادی بزه دیده و ضرورت تسریع در جبران خسارت بزه دیده حمایت مینماید به طوری که مصلحتی ۳ گانه، شامل مصلحت هم بزه دیده و هم متهم و هم جامعه مد نظر مقنن بوده است

داده و در کشف اوضاع و احوالی که به نفع یا ضرر متهم است، تبعیضی قائل نشود.

در اساسنامه دیوان کیفری بین المللی: در دیوان نیز در جهت نیل به دادرسی بی طرفانه و منصفانه، تلاش شده که اصل هم ترازوی میان بزه دیده و متهم مراعات گردد (ماده ۸۶ اساسنامه دیوان). در همین راستا، دیوان به منظور تساوی سلاح ها، تلاش نموده است تا حق بزه دیده بر ارائه دلیل را از طریق نقش دادستان و وکیل مدافع، محدود کند یا وجود این، دستیابی به توازن درخور میان بزه دیده و متهم، یکی از چالش های اصلی فراروی دیوان در آینده است. ماده ۷۱۲ اساسنامه دیوان (۲۰) دیوان همچنین باید کارشناسی را در واحد بزه دیدگان در زمینه جنبه های روانشناختی، مشاوره اجتماعی، مراقبت های بهداشتی با لحاظ شرایط کودکان، زنان، سالمندان و معلولان بکارگیرد (ماده ۱۹ اساسنامه دیوان). بدیهی است که دیوان باید با مدیریت انتظارات بزه دیدگان به گونه ای عمل نماید که توقعات فرا واقعی در اذهان آنان ایجاد نشود، به گونه ای که چنانچه انتظاراتشان برآورده نشد، دچار سرخوردگی نگردند (۲۱).

### حق برخورداری از حمایت های پزشکی و روانی برای

#### بزه دیده

برخلاف دیوان، ق.آ.د.ک در بخش اجرای احکام کیفری و اقدامات تأمینی و تربیتی در مواد ۴۸۶ و ۴۸۷ از ایجاد تشکیلاتی با عنوان «مددکاری اجتماعی»<sup>۱۵</sup> بحث به میان آورده که مربوط به متهم بوده و ربطی به بزه دیده ندارد؛ حال آنکه دیوان خود را موظف به کمک جهت مراقبت های پزشکی، روانی و دیگر کمک های مناسب دانسته و واحد بزه دیدگان و شهود را نیز مکلف کرده که زمینه آموزش به اعضای دیوان در خصوص مسائل مربوط به صدمات روحی، خشونت جنسی، امنیت و رازداری را فراهم نماید (۲۲).

### نتیجه گیری

امروزه، حمایت از بزه دیده اغلب نظام های کیفری را متحول کرده و زمینه ی پیش بینی مقررات حمایت از بزه دیدگان را مهیا ساخته است. حامیان حقوق بشر و در رأس آنها حامیان حقوق زنان و بزه دیدگان جرائم خشونت بار، حمایت از بزه دیده را از برنامه های اصلی سیاست جنائی بر می شمارند و رعایت این امر مهم را به نظام های عدالت جنائی گوشزد می کنند. حمایت از بزه دیده امری ضروری و غیرقابل انکار در رسیدگی های کیفری می باشد همچنین اخلاقیات باید برای اینکه قانون برای احاد جامعه الزام آور باشد حتما باید اجرا شود و قانونگذار حمایت اخلاقی نیز داشته باشد. این نوع حمایت مظاهر مختلفی دارد که دولتها برای تأمین حداقل آن تلاش می کنند، و هر چه رنگ و بوی اخلاقی داشته باشد بیشتر مورد احترام است (۲۳). از سوی دیگر فایده گرایی نیز بیان می دارد که دولت وظیفه اخلاقی دارد از میان اعمال موجود عملی را گزینش کند که بیشترین فایده را برای افراد متأثر از آن سیاست در برداشته باشد. قانونگذار ایران نیز در قانون آیین

و از آن جهت که در سطر سوم به جبران خسارت بزه دیده تصریح گردیده است می توان به وضوح به قصد مقنن و روح حاکم بر این ماده که همانا حمایت حداکثری از بزه دیده است دست یافت. البته منطقی می نمود این امر را به جرائم تعزیری درجات ۸-۶ اختصاص نداده و در کلیه ی جرائم از این حق بزه دیده برای جبران خساراتش حمایت می نمود به طوری که جرائم ۸-۶ تعزیری از جمله جرائم خفیفی است که بزه دیده آسیب چندانی در آن نمی بیند به همین جهت منطقی مینمود در سایر جرائم که لطمه شدیدی به بزه دیده وارد می گردد به طور اولی امکان جبران خسارت به مجرم داده می شد (۱۷).

ماده ۸۵ ق.آ.د.ک به طور ضمنی به مسأله جبران خسارت توسط دولت اشاره دارد و این طور بیان می کند: در مواردی که دیه باید از بیت المال پرداخت شود، پس از اتخاذ تصمیم قانونی راجع به سایر جهات، پرونده به دستور دادستان برای صدور حکم مقتضی به دادگاه ارسال می شود. در اساسنامه دیوان کیفری بین المللی: اساسنامه دیوان کیفری بین المللی، تلاش های بسیاری برای جبران خسارت بزه دیدگان نموده است. هیچ کدام از دادگاه های کیفری بین المللی پیشین، اختیار اعطای غرامت به بزه دیدگان را نداشتند. اما مطابق بند ۱ ماده ۷۵ اساسنامه رم، «به دادگاه این اختیار داده می شود که اصولی را در ارتباط با جبران خسارت بزه دیدگان از جمله اعاده اموال و اعاده اعتبار آن ها مقرر نماید. بر اساس این مقرره، دادرسان دیوان دارای این اختیار است که اصول جبران خسارت قربانیان را تعیین کنند. بر طبق بند ۲ ماده ۷۵ اساسنامه رم، دادگاه اختیار دارد احکامی به نفع بزه دیدگان و علیه محکومان برای جبران خسارت صادر کند؛ اما پیش از آن، ممکن است دادگاه، از بزه دیدگان، دیگر اشخاص ذی نفع، شخص محکوم علیه و دولت ها، در مورد جبران خسارت، دعوت به عمل بیاورد و یا دیدگاه های آن ها را در مورد جبران خسارت اخذ کند. همچنین، دادگاه می تواند دستور دهد که جبران خسارت بزه دیدگان، از طریق صندوق امانی به نفع بزه دیدگان، برابر مفاد ۷۹ اساسنامه دیوان انجام شود و به این صندوق دستور انتقال پول و اموال دیگری را که از طریق دریافت جزای نقدی جمع آوری شده است، صادر نماید (۱۸).

### هم ترازوی حقوق بزه دیده با متهم تساوی سلاح ها

کوشش برای ایجاد تساوی بین بزه دیده و بزهکار، دغدغه ای کلاسیک در اندیشه دادگری ارسطو است. دادگری اصلاح گر در صدد ایجاد تساوی است که پیش از عمل خطاکارانه بین بزه دیده و بزهکار وجود داشته است. بزهکار و بزه دیده به عنوان کنشگران اصلی جرم محسوب می شوند و با ابتدای بر اصل «تساوی سلاح ها»، حمایت از بزه دیده نباید حق های مسلم و بنیادین و تضمینات اساسی برای متهم و بزهکار را خدشه دار نماید. لذا طرفین باید فرصت و امکانات مناسب برای دسترسی به عدالت را داشته باشند (۱۹).

در ق.آ.د.ک مصوب ۱۳۹۲: ماده ۳۹ این قانون به بازپرس تکلیف نموده که در کمال بی طرفی و در حدود اختیارات قانونی، تحقیقات را انجام





through pornography. Masaryk UJL & Tech; 7: 241. (In Persian).

- Johnstone G. (2013). Restorative justice: Ideas, values, debates. UK: Routledge Publication.
- Amin MN, Ahmad M. (2017). A comparative study to assess the psychosocial problems among adolescents of selected rural and urban schools of Kashmir. India : RED'SHINE Publication.
- Arbia S. (2010). The international criminal court: witness and victim protection and support, legal aid and family visits. Commonwealth Law Bulletin; 36(3): 519-528.
- Moffett L. (2014). Justice for victims before the International Criminal Court. UK: Routledge Publication.
- Browne B, Moffett L. (2014). Finding your feet in the field: Critical reflections of early career researchers on field research in transitional societies. Journal of Human Rights Practice; 6(2): 223-237.
- Werle G, Jessberger F. (2014). Principles of international criminal law. UK: Oxford University Press.
- Cram I. (2016). Contested words: legal restrictions on freedom of speech in liberal democracies. UK: Routledge Publication.
- Cassese A. (2013). Cassese's international criminal law. UK: Oxford University Press .
- Mouthaan S. (2012). Victim participation at the ICC for victims of gender-based crimes: A conflict of interest. Cardozo J. Int'l & Comp L; 21: 619.
- Dronkers J, Vink MP. (2012). explaining access to citizenship in Europe: How citizenship policies affect naturalization rates. European Union Politics; 13(3): 390-412.
- Aghighi A. (2017). Relationship between some ethical variables on organizational health. Ethics in Science and Technology; 11 (3):97-107. (In Persian).
- Ahangar N, Rasoli R, Darvesh H, Asadi M. (2018). Ethical necessity of explaining the model of democratic citizenship in Iranian Public Organizations. Ethics in Science and Technology; 13 (3): 138-145. (In Persian) .
- Tamadonfar M. (2001). Islam, law, and political control in contemporary Iran. Journal for the Scientific Study of Religion; 40(2): 205-220.
- Heidari MA, Porshabanan M. (2015). Study of restorative justice and distributive justice from the perspective of Islamic law and jurisprudence. New York Science Journal; 8(6): 80-85.
- Salacuse JW. (2007). is there a better way-alternative methods of treaty-based, investor-state dispute resolution. Fordham International Journal; 31: 138 .
- Lalalizadeh M. (2017). A comparative study of victims' rights In the investigation and prosecution stages in the act of criminal procedure 1392 and the international criminal court. Criminal Law; 5(19): 95-126. (In Persian).

دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، با تعریف واژه ی «بزه دیده» و پرداختن به حقوق اخلاقی بزه‌دیده مانند حق شناسایی و تکریم بزه دیده حق آگاه سازی بزه دیده، حق دسترسی فوری و آسان به نظام عدالت کیفری؛ تامین امنیت بزه دیده، حق محرمانگی تحقیقات، جبران خسارت بزه دیدگان، حق برخورداری از وکیل و معاضدت حقوقی و اعطای نمایندگی خاص به بزه دیدگان، هم ترازوی حقوق بزه دیده با متهم تساوی سلاح ها (۲۴)، حق برخورداری از حمایت های پزشکی و روانی، حقوق بزه دیده در مرحله ی تجدیدنظر، گام مناسبی برداشته است (۲۵). بررسی های تطبیقی در این نوشتار نشان می دهد که حقوق مذکور منطبق با حقوق بزه دیده در دیوان کیفری بین المللی و اساسنامه رم است؛ لذا قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ علیرغم ایراداتی که به لحاظ نظری دارد و اشکالاتی که ممکن است در عمل به بار بیاورد، سعی نموده است که نسبت به مقررات سابق دادرسی کشور ایران، نگاه یکسانی را به حقوق متهم و بزه دیده داشته باشد. به این منظور تضمین هایی را مقرر نموده است که تحقق این مهم را در عالم واقع میسر نماید. از یک سو با مقرر نمودن تضمین های عام و کلی، در صدد حمایت از طرفین شکایت کیفری بر آمده و از سوی دیگر تضمین های متناسب با وضعیت هریک از طرفین، به آنها اختصاص داده است.

### ملاحظه‌های اخلاقی

در این پژوهش با معرفی منابع مورد استفاده، اصل اخلاقی امانت‌داری علمی رعایت و حق معنوی مؤلفین آثار، محترم شمرده شده است .

### واژه نامه

1. Justic	عدالت
2. Fair	منصفانه
3. Ethics	اخلاقیات
4. International hearing	دادرسی بین المللی
5. Judge	قضات
6. Changes	تحوالات
7. Protection	حمایت
8. Humiliating	تحقیرآمیز
9. Dignity of individual	حیثیت اشخاص
10. Ethics dignity	کرامت اخلاقی
11. Victimization	بزه دیدگی
12. Process of dealing	فرآیند رسیدگی
13. Personal competence	صلاحیت شخصی
14. Facilitating justice	تسهیل عدالت
15. Social work	مداخله اجتماعی

### References

- Malmir M, Khaghani Esfahani M, Zarei R, Kaviar H. (2013). Victimized children in cyberspace



21. Kohn NA. (2012). Elder (in) justice: A critique of the criminalization of elder abuse. *Am. Crim. L. Rev*; 49(1).
22. Siegel L. (2012). *Criminology: Theories, patterns, and typologies*. Canada: Nelson Education.
23. Volod G, Thomas B, Snape J. (2018). *Theoretical criminology*. 4<sup>th</sup> ed. Translated by: Shojaee A. Tehran: Samt Publication. (In Persian).
24. Demirbaş T. (2009). *Ceza Dwarf Genel Hükümler*. Seçkin Yayıncılık. Turkey: Ankara Publication. (In Turkish)
25. Nikvarz T, Afraseabi F. (2018). Explaining the effective factors on citizenship ethics. *Ethics in Science and Technology*; 13 (3): 40-47. (In Persian).
18. Hepner I, Woodward MN, Stewart J. (2015). Giving the vulnerable a voice in the criminal justice system: The use of intermediaries with individuals with intellectual disability. *Psychiatry, Psychology and Law*; 22(3): 453-464.
19. Edwards C. (2014). Pathologising the victim: Law and the construction of people with disabilities as victims of crime in Ireland. *Disability & Society*; 29(5): 685-698.
20. Asgari H, Mohammadali S. (2012). Comments must comply with the court of forensic medicine. *Advances in Environmental Biology*; 6(3): 1216-1219. (In Persian).